

لذت / رئیس جمهور کجا و لذت ما کجا؟!

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در گزارش به مردم درباره عملکرد دوساله دولت گفت: بیشترین لذت آقای پزشکین این است که گرهی از زندگی مردم باز کند. ضمن عرض ادب خدمت ایشان و ابراز تشکر از آقای پزشکین که با باز کردن گره های مالذت می برند، بررسی کردیم دیگر مسئولان از چه چیزهایی لذت می برند.

مقام داری ولذت تصاعی

این بزرگواران هم به طور غیرمستقیم از دلار لذت می برند، ولی نه از خودش. خود دلار که لذتی ندارد. یک تکه کاغذ است که عکس یک اجنبی رویش است و کمی هم صاف است و کهنه نیست و جنس خوبی دارد. مقام های داری از چیزهایی که با دلار بالا می رود لذت می برند، از ماشین، لوازم خانگی، پوشاک و خوراک گرفته تا کفش و دمپایی و آفتابه و لگن و آغل و منقل. خدا را شکر همه چیز اینجا به دلار وابسته است و مقامات هم دائم اللذت!

ملیر بنزینی و صفر بنی شمار

ممکن است فکر کنید مدیر بنزینی از بنزین لذت می برد. مثل خودمان که وقتی بچه بودیم و پدرمان ماشین را می برد پمپ بنزین، از بوی بنزین کیف می کردیم. یادش به خیر زمانی بود که مردم راحت و بی دردسر می رفتند پمپ بنزین، بگذریم. ولی مدیر بنزینی از بنزین یا بویش یا رنگش لذت نمی برد. مدیران بنزینی از پول بنزین لذت می برند. از جیرینگ جیرینگ صدایش، از قرقر شماره اندازه پمپ ها، از پیامک واریز بانکی اش، از تعداد صفرهایش که دیگر روی صفحه نمایشگر پمپ ها جانمی شود و با برچسب می چسبانند. حتی از همان چیزی که قاتی بنزین می ریزند تا برکت کند.

خودروساز ولذت بی رقیب

آنچه مسلم است، خودروسازان از خودروساختن لذت می برند. چه لذتی از این بالاتر که با چهارتا ورق حلبی و چندتا پیچ و مهره و تیر و تخته و میخ و سیخ، وسیله ای بسازی که هم بنزین را قلب قلب بخورد، هم فاتحه هوا را بخواند، هم کروکرو کشته بدهد، بعضی وقت ها هم راه برود! بعد برای همین وسیله هم صف پیش فروش بگذاری و قرعه کشی کنی و میلیاردی پول بگیری. بعد هم که دادی به مردم، به هیچ چیز دیگرش کار نداشته باشی. تازه اجازه هم ندهی که هیچ رقیبی پایش به بازاری باز شود. چه لذتی از این بیشتر؟

ملیر کل سه نقطه ولذت بی تکان

آن «سه نقطه» به معنی این نیست که ما اسمشان را نمی دانیم یا فراموش کرده ایم؛ به این معنی است که نباید اسمشان را بیاوریم. خب ما هم بچه های حرف گوش کنی هستیم و می گوئیم چشم. این گرامیان برعکس اسمشان که خیلی خاص است، خیلی عام لذت می برند. همه چیز برایشان لذت بخش است، از گوجه فرنگی گرفته که با یک گوشه چشم قیمتش را چند برابر می کنند، تا نفت که با یک نامه از این گالن به آن نفت کش می برند. اصلاً زندگی کردن در اینجا برای این ها همان لذت بردن است. یعنی در این کشور تکان می خورند، لذت می برند. گاهی حتی تکان هم نمی خورند، ولی باز هم لذت می برند. خوش به حالشان.

رئیس فناوری ولذت بدون فیلتر

همان طور که از اسمشان هم مشخص است، این رئیس ها خیلی با کلاس هستند. پس لذت بردنشان هم خیلی با بقیه فرق می کند. این عزیزان (البته عزیز ما که نیستند، مثلاً عزیز) خودشان نت پرسرعت، سیم کارت سفید، وی پی ان بدون محدودیت، کانفیگ بدون قطعی، اکانت نامحدود، تیک آبی و هر چیز خوب فناوری را دارند و از آن ها لذت می برند، ولی نوبت به ما که می رسد، معتقدند همین نت زپرتی برایمان بس است و حتی از سرمان هم زیاد است و بسته یک ماهه مان نباید بیشتر از یک هفته دوام بیاورد و سرعتمان باید آن قدری باشد که خدای نکرده عکس و فیلم داند و آپلود نشود، تا خدای نکرده مالذت نبریم!

مردم معمولی ولذت های خیلی کوچک

برعکس این هایی که نام بردیم که مستقیم و غیرمستقیم از چیزهای عجیبی لذت می برند، ما مردم معمولی توقعمان خیلی پایین است و برای لذت بردن چیز خاصی لازم نداریم. کافی است یارانه مان را یک روز زودتر بریزند تا مثل چی لذت ببریم. یا کالا برگمان را قطع نکنند، یا چیز مثقال سود سهام عدالتمان را بریزند، یا بنزین را به جای ۸۷ هزار و ۲۰۰ تومان، بکنند ۱۰ هزار تومان، یا فیلتر واتس اپ را چند ساعتی بردارند، یا دلار و طلا و سکه دو قران ارزان شود... یا حتی آقای پزشکین یک گره از کارمان باز کنند، یا حتی شلش کنند. کلاً ما مردم سهل الکیف هستیم و با کوچک ترین چیزها لذت می ببریم.



کارتون: شهرام شیرزادی

مربی یک تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۶ باشید، باید در هر فرصتی، آستین کتانتان را طوری تا کتف بالا بزنید که انگار همین الان قرار است از شما خون بگیرند!

قاعده سوم: شما برای آیفون دار شدن خون دل ها خورده اید. حتی ممکن است کلیه راستتان را فروخته و کلیه چپ را رهن کامل داده باشید! اما متأسفانه مردم آن قدر بدبختی و گرفتاری دارند که ممکن است در مهمانی، فرق گوشی لمسی قدیمی باگجت «پرومکس» شما را نفهمند. وظیفه شماست که ناگهان بحث را به استیو جابز و فیلسوفانه بودن «سیب گاز زده» بکشانید

با توجه به رونمایی های اخیر اپل از گجت های جدید خود، بد نیست بدانیم آداب و رسوم بسیار دقیق و حیاتی وجود دارد به عنوان «پز تکنولوژیک».

قاعده اول: شما گجت نمی خرید که از آن استفاده کنید؛ می خرید که «دیده شوید». اگر خدای نکرده گوشی تان را داخل جیبتان بگذارید، عملاً همه دارایی و دسترنجتان را ته چاه ریخته اید! گوشی باید جزئی از اناتومی دست راستتان باشد.

قاعده دوم: مهم نیست چه پست، شغل یا سمتی دارید؛ شما در هر وضعیتی متعهد به پزدادن هستید. حتی اگر

فرهنگ شهروندی

اصغر کلثومی

آداب و رسوم
پزدادن